

مطالعه تطبیقی میزان تحقق اندیشه امام خمینی(ره) با رویکرد عدالت اقتصادی در دولت‌های پس از انقلاب (۱۳۹۲-۱۳۶۸)

احمد بخشایشی اردستانی^۱

استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

نیکو رضایی جوزانی^۲

دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۷

چکیده

تحقق عدالت اقتصادی، آرمانی است که در اندیشه امام خمینی(ره) به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی و طراح نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است. بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی تأکید فراوانی بر این موضوع داشته اند که برای برقراری عدالت باید امکانات اقتصادی برای افراد فراهم گردد لذا توجه به شاخصهای عدالت اقتصادی و اندازه گیری آن الزامی می باشد. همچنین چون هریک از دولت‌های پس از انقلاب ادعاهایی مبنی بر ایجاد عدالت اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی داشته اند و به جهت نقدها یا تعاریف فراوان از عملکرد دولت‌ها نمیتوان به نتیجه قطعی در خصوص تحقق عدالت اقتصادی در دولت‌های آنها دست یافت، لذا شاخصهای عدالت اقتصادی استخراج و در هر دولت بررسی شد. دولت‌های آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد دولتهایی بودند که همواره خود را مدیون اندیشه امام خمینی (ره) می دانستند و سعی داشتند تا عدالت اقتصادی مورد نظر ایشان را محقق گردانند. اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که باید دید در بازه زمانی هر دولت تا چه اندازه از منابع موجود به اقشار محروم و طبقات پایین اجتماعی رسیده است، تا عدالت اقتصادی مورد نظر امام خمینی(ره) محقق گردد؟ برای این منظور ابتدا عدالت اقتصادی از دیدگاه امام(ره) شاخص‌بندی گردید که این شاخص‌ها در دو بخش تولید و توزیع شامل: ۱. بخش تولید: ایجاد اشتغال و توسعه روستاها، ۲. بخش توزیع: آموزش، بهداشت و مسکن بود و سپس هرکدام از این شاخص‌ها در دولت‌های مورد نظر مورد بررسی قرار گرفت. در مقاله حاضر، این نتیجه حاصل شد که هر سه دولت از لحاظ نظری خود را مدیون اندیشه‌های امام با رویکرد عدالت اقتصادی می‌دیدند و در پی تحقق آن بودند. به همین لحاظ تلاش نمودند تا شاخص‌های عدالت اقتصادی را تحقق بخشند.

واژه‌های کلیدی: عدالت اقتصادی، ایجاد اشتغال، توسعه روستاها، آموزش، بهداشت، مسکن.

1. ahmadbakhshi0912@gmail.com

2. nikoorezayi6@gmail.com

از آنجایی که یکی از آرزوهای بشر در طول تاریخ تحقق و اجرای عدالت در جامعه بوده است، تمامی صاحبان اندیشه و مکاتب، بر تحقق عدالت در همه ابعاد زندگی تأکید فراوان داشته اند؛ هرچند در مفهوم عدالت، روشها، و راههای تحقق آن، توافقی حاصل نشده است. به قول اشتراوس، ما در زندگی روزمره مان به راحتی از «خوبی» و «بدی» سخن میگوییم؛ چرا که عقیده خود را غیر قابل بحث تلقی می کنیم. اما همین که عقیده ما به بوته نقد گذاشته میشود، ابهام و بی دقتی آن نیز آشکار می گردد. کلی گویی در تعریف عدالت گاهی از مشکلات نمی گشاید. امام علی (ع) نیز در وسعت مفهوم «حق» و ضیق مصادیق آن می فرمایند: «الحق اوسع الاشياء فی التواصف و اضيقها فی التناصف». عدالت هرچند مفهوماً مبهم و کلی است، اما تعیین مصادیق آن بسیار مشکل می باشد؛ خواه به نفس الامر بودن آن حکم کنیم، یا خیر. اگر عدالت نفس الامر داشته باشد، در شناخت مصادیق آن مشکل به وجود می آید؛ و اگر هم بعضی معتقد باشند که عالم ثبوتی - عالم واقعی ندارد، باز ممکن است بر سر مصادیق آن توافق حاصل نشود. (حقیقت، ۱۳۷۶: ۱۱)



در واقع مساله ای که وجود دارد این است که در فلسفه سیاسی یکی از مشکلات درباره مفهوم عدالت، گستردگی تعاریف و برداشت‌هاست و به گفته پرلمان: «در میان بسیاری از مفاهیم معتبر، عدالت مقامی رفیع دارد اما دچار ابهامی لاعلاج است.» (Rob-، 1993: 263) از همان ابتدا سوال اساسی در خصوص این مفهوم این بوده است که «اساس tertson) تعهد اجتماعی و اخلاقی چیست و چرا فرد از قواعد اخلاقی و قوانینی که اغلب آنها را دوست ندارد باید پیروی کند و اصلاً فرد چرا باید خوب باشد. عدالت به این معنی در مرکز و محور مباحث فلسفه سیاسی قرار دارد» (Molm، 1994: 83) بر اساس این تعبیر «عدالت را می توان جامع ترین غایات سیاسی شمرد...، لیکن به هر صورتی که آن را تعریف کنیم با دیگر ارزش های اصلی و کلی تعارض پیدا می کند» (Graham، 1989: 54) عدالت اقتصادی بُعدی از ابعاد گوناگون عدالت، از قبیل عدالت سیاسی، قضایی و فرهنگی است. عدالت اقتصادی، یعنی مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی. این امر به صورت هدف اقتصادی، هنگامی کامل محقق می شود که هر یک از افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابد، ولی عدالت به معنای رفتار و روابط حق



مدارانه در سطح کلان، وصف نظام اقتصادی عادل است که کارکردهای آن به سمت تحقق هدف عدالت اقتصادی است. عدالت اقتصادی به طور عام به عدالت تولیدی و عدالت توزیعی تقسیم می‌شود. عدالت تولیدی را می‌توان یک نگاه سرمایه‌دارانه به حوزه اقتصاد دانست؛ بدین معنا که باید برای همه افراد فرصت‌های برابر اقتصادی ایجاد شود تا در پرتو آن، تولید توسعه یابد و فقر ریشه‌کن شود و این همان برابری در تولید است. برابری توزیعی نیز به مقوله اقتصاد، نگاهی سوسیالیستی دارد، بدین بیان که ثروت‌های جامعه باید به تساوی بین همه افراد توزیع شود و از ثروتمندان و صاحبان درآمد نیز مالیات گرفته شود و بین فقرا و مستمندان توزیع گردد. نگاه سومی نیز وجود دارد که معتقد به جمع این دو عدالت در حوزه اقتصاد است که از آن به عدالت فراگیر یاد می‌شود؛ نگاهی که بی‌شک با دیدگاه اسلامی همسوست. عدالت اقتصادی از گذشته تاکنون مورد توجه ویژه اندیشمندان اقتصادی غربی بوده است. دست نامرئی آدام اسمیت و عدم دخالت دولت و نظریه‌های اقتصاد رفاه در اقتصاد آزاد و الغای مالکیت خصوصی ابزار تولید (سرمایه) در اندیشه سوسیالیزم، همواره بیانگر دغدغه متفکران اقتصادی درباره‌ی عدالت اقتصادی است. (آقائظری، ۱۳۸۴: ۷۱) نیمه دوم قرن بیستم، شاهد تولد چندین نظریه مهم عدالت در اندیشه لیبرال بود که تلاش می‌کردند مبنایی غیر سوسیالیستی برای عدالت اقتصادی فراهم کنند (خاندوزی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). در اندیشه سیاسی اسلام نیز همواره به عدالت اقتصادی توجه شده است. با جمع‌بندی مفهوم «عدالت اقتصادی» بر حسب کاربرد آن در متون اسلامی، چهار معنای تساوی، دادن حق هر صاحب حق به آن، عدم تفاوت فاحش درآمدی و اعتدال را می‌توان استخراج کرد. (رجایی، معلمی، ۱۳۹۰: ۶). امام علی (ع) در باره تساوی می‌فرمایند: «تا وقتی که ستاره‌ای در آسمان می‌بینم، به خدا سوگند، اگر اینها مال من بود در میان آنها به تساوی تقسیم می‌کردم چه رسد به این که اموال خودشان است.» (سید رضی: خطبه ۱۴۱) همچنین در خصوص اعطا حق هر ذی‌حقی به آن در الکافی می‌خوانیم: «اعطا کل ذی حق حقه» (کلینی، ج ۱: ۵۴۱) در نظام اقتصادی اسلام با الهام از قرآن کریم و احادیث امامان و نیز سیره اقتصادی و مدیریتی آنان برای تمرکز زدایی از ثروت و سرمایه در دست طبقه و افراد خاصی برنامه ریزی شده است که برخی از موارد عبارتند از:

الف- تعیین حدود مالکیت‌ها: «همان گونه که پیامبر اکرم (ص) به طور مساوی تقسیم

می‌فرمود من نیز عمل کردم تا اموال مانند گوی در بین ثروتمندان قرار نگیرد.» (سید رضی: نامه ۵۳)

ب- توزیع ثروت و درآمد: امام علی (ع) جامعه زمان خود را که سیاست‌های توزیع در آن درست انجام گرفته است این گونه وصف می‌فرماید: «همه مردم کوفه برخوردارند و در آسایش به سر می‌برند. به طوری که همه از خوراک مناسب (نان گندم)، مسکن و سرپناه کافی و آب سالم استفاده می‌کند.» به طور کلی، عدالت اقتصادی زمانی در یک جامعه مطرح می‌شود که خواسته‌های متعارض در آن جامعه وجود داشته باشد و دولتمردان بخواهند با ایجاد عدالت اقتصادی امکان سازگاری میان خواسته‌های متفاوت را فراهم سازند. سازگاری میان خواسته‌های متعارض اقتصادی در هر جامعه نیز براساس توافق عمومی و قراردادهای اجتماعی میسر می‌گردد. در جامعه ما در شرایط بعد از انقلاب اسلامی مبنای قرارداد اجتماعی در حوزه اقتصادی و براساس آن مسئله عدالت اقتصادی و تقسیم منصفانه و عادلانه بر مبنای اندیشه امام خمینی (ره) مطرح شد. ایشان در دوران حیات خویش همواره به عدالت و ملزومات آن اشاره می‌کردند و آن را به عنوان والاترین ارزش مطرح نموده و از مسئولان می‌خواستند در راستای اجرای آن کوشا باشند. اما این موضوع که مسئولین تا چه اندازه توانسته‌اند عدالت بر مبنای اندیشه امام خمینی (ره) را اجرا نمایند، نیاز به تحقیق و بررسی دارد.

پیشینه تحقیق

تا کنون، در زمینه مفهوم «عدالت» و نظریه‌های آن، آثار متعددی تدوین شده است. درباره شاخص عدالت نیز بر اساس شاخص‌های موجود جهانی، مباحثی صورت گرفته؛ اما در خصوص شاخص‌سازی بر اساس مبانی اسلامی، مطالعه چندانی صورت نگرفته است. مزیت این مقاله، افزون بر تبیین مفهوم عدالت، ورود در شاخص‌سازی عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) است. برخی از تألیفات سال‌های اخیر به مرور اندیشه متفکران غربی و مسلمان در زمینه موضوع عدالت و عدالت اقتصادی پرداخته‌اند. از جمله اینها می‌توان از آثار امانی (۱۳۷۶)، بخشایش (۱۳۸۲)، نظری (۱۳۸۳)، رستمی (۱۳۸۳)، عیوضلو (۱۳۸۴)، صادقی (۱۳۸۴)، نبوی (۱۳۸۵)، خوش‌چهره و زیوری (۱۳۸۶)، و واعظی (۱۳۸۸) نام برد. تألیفات متعددی نیز بر پایه تعریف حق، به مفهوم‌شناسی عدالت پرداخته‌اند؛ از آن جمله،



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعه نرسانت العالم الاسلامی

۵۸

سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶



آثار یوسفی (۱۳۸۴)، نظری (۱۳۸۳)، بخشایش (۱۳۸۲)، نبوی (۱۳۸۵)، و امانی (۱۳۷۶) می‌باشند. توتونچیان و عیوضلو (۱۳۷۹)، ضمن ارائهٔ تصویری اجمالی از مفهوم و ماهیت عدالت و عدالت اقتصادی، چهار قاعدهٔ کلی را برای ارزیابی عادلانه بودن اقتصاد از تعالیم شریعت اسلام استنتاج کرده‌اند: ۱) سهم‌بری بر اساس میزان مشارکت در فرایند تولید؛ ۲) حق برخورداری برابر؛ ۳) توازن نسبی ثروت و درآمد؛ ۴) قرار گرفتن اموال در موضع قوامی آن. نظری (۱۳۸۳) معتقد است: منشأ تمایز دیدگاه اسلام با نظریات دیگر را باید در سه نکته جست‌وجو کرد: اول اینکه بین عدالت و حق، رابطهٔ الزامی وجود دارد؛ دوم اینکه کلیات حقوق متقابل بین حاکمیت و ملت به رأی و اندیشهٔ فردی از افراد واگذار نشده است؛ سوم اینکه اجرا و تطبیق حقوق متقابل حاکمیت و ملت و تحقق عدالت اقتصادی می‌طلبد که زمینه‌های رانت‌خواری در بخش‌های گوناگون اقتصادی از بین برود. رستمی (۱۳۸۳) به دنبال اثبات این است که عدالت، حقیقتی ثابت و جاودانه و حاکم بر کل خلقت است و وظیفهٔ انسان شناخت و کشف آن و برقرار ساختن نظام‌های رفتاری بر اصول آن است. او با تکیه بر مفاهیم حق مالکیت و تحقق استعدادها، به تبیین ویژگی‌های نظریهٔ عدالت اقتصادی می‌پردازد. یوسفی (۱۳۸۴) بر این باور است که عدالت اقتصادی، به معنای مراعات حقوق اقتصادی در حوزهٔ رفتارها و روابط اقتصادی است. اگرچه مفهوم واژهٔ «عدالت»، با مفهوم واژهٔ «تساوی» فرق دارد، اما همهٔ انسان‌ها در بهره‌مندی از نعمت‌های الهی باید دارای شرایط مساوی باشند. بعد از تقسیم فرصت‌ها به نحو مساوی، اگر گروهی به دلیل استعداد و تلاش زیاده‌تر، به نعمت‌های بیشتری دست یابد، عدالت زیر سؤال نمی‌رود. نبوی (۱۳۸۵) بر این باور است که میزان و حکمت الهی حق هر چیز را مشخص کرده است: حق طبیعت و محیط زیست بهره‌برداری صحیح از آن، آلوده نکردن و عدم تخریب آن است؛ حق جامعه رفتار و روابط اجتماعی بر اساس قرارداد عادلانه (رعایت حقوق متقابل) و قرار دادن هرکس و هرچیزی در جایی که سزاوار آن است می‌باشد؛ حق اموال، بهره‌برداری صحیح و کارا از آن است. نیلی، طیبیان، غنی‌نژاد، فرجادی (۱۳۸۶)، و سبحانی (۱۳۸۹)، بر این باورند که اقتصاد عدالت‌محور صرفاً از طریق «نظام بازار» در دسترس است و عدالت به بهترین نحو ممکن وقتی حاصل می‌شود که اصول اقتصاد بازار رقابتی در عرصهٔ اقتصاد پی گرفته شود. افزون بر این، سبحانی (۱۳۸۹) معتقد است: در اقتصاد عدالت‌محور، «اخلاق رفتاری» در عرصه‌های

مختلف تولید، مصرف، و توزیع حاکمیت دارد و این اخلاق معطوف به اصول اسلام است که خود، بر بنیان عدالت پایه‌گذاری شده است. آمارتیا سن (۱۹۷۳م)، خسرو منطقی (۱۳۶۹)، ابوالفتحی قمی (۱۳۷۱)، حسین نصیری (۱۳۸۴)، فخرحسینی (۱۳۸۸)، و رحمت‌نیا و افلاکی (۱۳۸۹)، شاخص‌های موجود برای اندازه‌گیری نابرابری را فهرست نموده یا مورد استفاده قرار داده‌اند. جان ای رویمر (۱۹۹۷م) با ارائه دو تلقی از برابری فرصت («عدم تبعیض» و «هم‌سطح کردن عرصه بازی»)، با تأکید بیشتر بر تلقی دوم و به دست دادن تعریفی ریاضی‌وار از آن، درصدد تبیین دقیق این مفهوم و عملیاتی شدن آن می‌باشد. صادق بختیاری (۱۳۸۲)، ضمن بررسی تئوری‌های توزیع درآمد و شاخص‌های موجود آن، به بحث پیرامون فقر و عدالت در اقتصاد اسلامی پرداخته، و با استفاده از روش پارامتریک در تحلیل‌های مربوط به توزیع درآمد، شاخص‌های نابرابری مناسب در روش پارامتریک را انتخاب کرده است. میثم پیله‌فروش (۱۳۸۴) با بیان اینکه نظریه مناسب درباره عدالت باید هر سه معیار نیاز، کارآمدی، و مسئولیت فردی باشد، معتقد است که این نظریه باید با توجه به زمینه و موقعیت فرهنگی و اجتماعی ارائه شود. برای اندازه‌گیری نظریات ترکیبی عدالت نیز، نیاز به شاخص ترکیبی است. وی نمونه موردی برخی از شاخص‌های عدالت و شاخص ترکیبی آن را در استان قزوین محاسبه می‌کند. همچنین در کتاب راهبردهای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، نوشته مظفر کریمی به ریشه‌های تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جمهوری اسلامی پرداخته شده است.

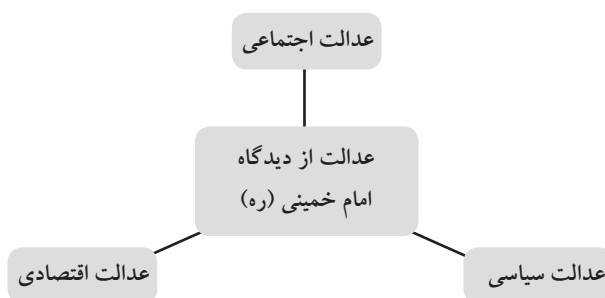
در مقاله‌ای هم با عنوان «ساز و کارهای تحقق عدالت اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، خانم کیخا ضمن تشریح بی‌عدالتی، درصدد ارائه دیدگاه‌های امام خمینی (ره) برای دستیابی به عدالت اقتصادی است. به همین منظور، سازوکارهای تحقق عدالت اقتصادی از جمله ایجاد آرامش اقتصادی، تولید کافی، مشارکت مردم و... را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مجموع آثار موجود در این حوزه به ارائه راهکارهایی برای اجرای عدالت اقتصادی پرداخته‌اند، اما هیچ‌کدام مبنای نظری عدالت اقتصادی را تعیین نکرده‌اند. بنابراین، این مقاله از این جهت دارای نوآوری می‌باشد. مقاله حاضر با در نظر گرفتن یک متغیر مستقل یعنی عدالت اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره) و سه متغیر وابسته، یعنی دولت‌های آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد تلاش دارد تصویر مناسبی از تحقق عدالت اقتصادی را ترسیم نماید.

چارچوب نظری

مقاله حاضر در چارچوبی تحلیلی، توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با استفاده از آمار موجود، گفتمان عدالت اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره) را در چارچوب دوگانه تولید و توزیع صورت‌بندی می‌کند. بر این مبنا امام خمینی (ره) به عنوان یک رهبر انقلابی داعیه‌دار تحقق عدالت بوده است و بر این چارچوب مفاهیم بنیادین در عرصه عدالت اقتصادی در اندیشه ایشان باز تعریف می‌شوند. بررسی اندیشه‌های امام خمینی در قالب سخنرانی‌ها، پیام‌ها و مکتوبات ایشان که به نحوی به مسئله عدالت پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که ایشان در موارد بسیاری مفهوم عدالت را همراه با مفاهیمی مانند محرومیت، فقر، اقشار مستمند و تعبیری این چنین بیان نموده‌اند و با الفاظ و واژه‌های مختلف به گونه‌ای به ارتباط میان مفهوم عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم اشاره داشته‌اند. عدالت در اندیشه امام خمینی (ره) با مفاهیم توازن، تساوی و اعطای حق به ذی حق ملازم بوده است (درخشه، فخاری، ۱۳۹۵: ۱۶). امام خمینی بارها لزوم سیاستگذاری جهت رفع فقر و خارج ساختن افراد و اقشار محروم از محرومیت و برنامه‌ریزی جهت تأمین نیازهای اساسی اقشار مستمند را بیان نموده و جهت‌گیری اقتصاد اسلامی را حفظ منافع محرومان معرفی می‌کند. «ارائه طرح‌ها و تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومان و گسترش مشارکت عمومی آنان و... بزرگ‌ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود» (امام خمینی: ۲۰/۳۶۰). همچنین ایشان در بیانی دیگر عدول از سیاست حمایت از محرومان و رفع نکردن محرومیت از آنان و کوتاهی در تأمین نیازهای اساسی‌شان را از اصل عدالت موردنظر اسلام دور دانسته و آن را نهی نموده و می‌فرمایند: «آنچه که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومان و پابرهنگ‌هاست. چرا که هرکسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است» (امام خمینی: ۲۱/۹۹). با توجه به سخنان مطرح‌شده در اندیشه امام خمینی (ره) درباره عدالت می‌توان سه شاخصه عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را از اندیشه ایشان استخراج کرد. هر چند این شاخص‌ها دارای اعتبار ظنی هستند و ممکن است مورد اجماع نظری قرار نگیرد یا حتی به شاخص‌های دیگری مانند شاخص‌های فرهنگی اشاره شود. نمودار زیر شاخص‌های عدالت از دیدگاه امام خمینی (ره) را نشان می‌دهد:





نمودار ۱. شاخص‌های عدالت از دیدگاه امام خمینی (ره)

از آنجایی که موضوع این مقاله میزان تحقق عدالت اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره) در دولت‌های آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد است، بنابراین باید به مفهوم عدالت اقتصادی پرداخته شود. عدالت اقتصادی به‌طور عام به‌عدالت تولیدی و عدالت توزیعی تقسیم می‌شود. عدالت تولیدی را می‌توان نگاهی سرمایه‌دارانه به حوزه اقتصاد دانست. بدین معنا که باید برای همه افراد فرصت‌های برابر اقتصادی ایجاد شود تا در پرتو آن، تولید توسعه یابد و فقر ریشه‌کن شود و این همان برابری در تولید است. برابری توزیعی نیز به مقوله اقتصاد، نگاهی سوسیالیستی دارد. بدین بیان که ثروت‌های جامعه باید به‌تساوی بین همه افراد توزیع شود و از ثروتمندان و صاحبان درآمد نیز مالیات گرفته شود و بین فقرا و مستمندان توزیع گردد. اما نگاه سومی نیز وجود دارد که معتقد به جمع این دو عدالت در حوزه اقتصاد است که از آن به عدالت فراگیر یاد می‌شود. به طور کلی، عدالت اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره) عبارت است از: «احقاق حقوق افراد با رعایت برابری و مساوات در میان آنان و با تکیه بر قانون به نحوی که به ایجاد توازن در جامعه منجر شود» (کیخا، ۱۳۸۱: ۹۷). با توجه به نگاه اسلامی امام خمینی (ره)، ایشان معتقد به جمع بین دو عدالت تولیدی و توزیعی در حوزه اقتصاد هستند.



نمودار ۲. عدالت اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره)

پس از دسته‌بندی عدالت اقتصادی به دو بخش تولید و توزیع، باید به شاخص‌های هر بخش توجه نمود. به منظور فهم و مطالعه شاخص‌های عدالت اقتصادی در دو بخش تولید و

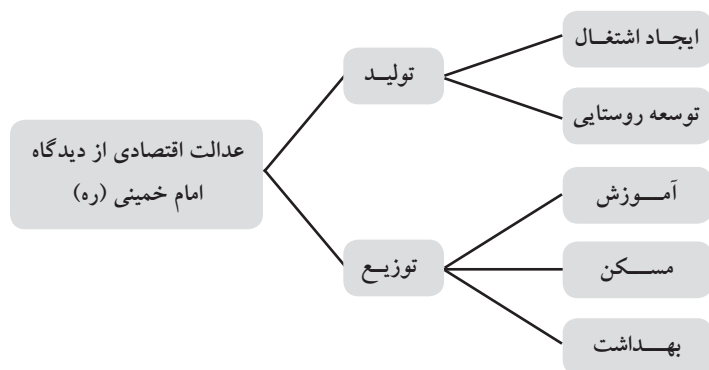


انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیت نرسانت العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۶۲

سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

توزیع در اندیشه امام خمینی (ره) می‌توان به نمودار زیر توجه کرد:

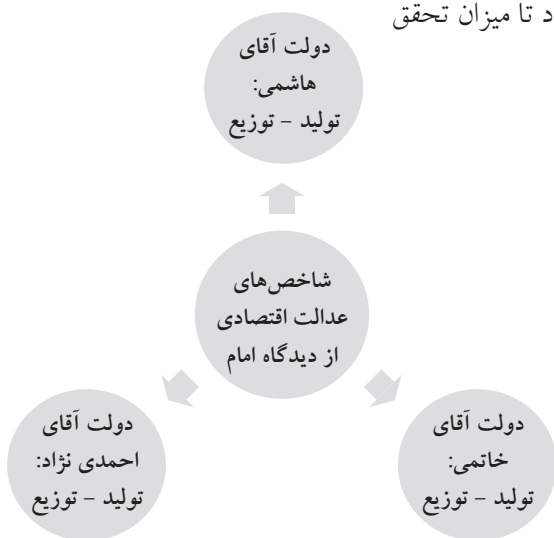


نمودار ۳. شاخص‌های عدالت اقتصادی در دو بخش تولید و توزیع در اندیشه امام خمینی (ره)

شاخص‌های عدالت اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره) در دولت‌های آقایان هاشمی،

خاتمی و احمدی نژاد

پس از استخراج شاخص‌های عدالت اقتصادی از اندیشه امام خمینی (ره)، برای بررسی هر یک از شاخص‌های عدالت اقتصادی در دولت‌های آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد، باید این شاخص‌ها را مورد بررسی قرار داد تا میزان تحقق هر یک از آنها مشخص گردد:



نمودار ۴. شاخص‌های عدالت اقتصادی

در دولت‌های آقایان هاشمی، خاتمی

و احمدی نژاد

۱. تولید

با نگاهی به وضعیت اقتصادی در هر جامعه می‌توان دریافت که عمده ترین مشکلات

اقتصادی که سد راه تحقق عدالت اقتصادی می گردند، در هر سه بخش تولید، توزیع و مصرف وجود دارند. عمده ترین ضروریات مساله تولید عبارتند از: ۱. تولید ضروریات زندگی به اندازه کافی: ۲. ایجاد کار مناسب برای همه افراد در سن کار و برابری افراد در داشتن شرایط مساعد کاری. «به منظور تضمین و تعیین حداکثر و حداقل تولید کالاهای ضروری» دولت در عرصه تولید نقش ایفا می کند به این شکل که در درجه اول با تأسیس واحدهای اقتصادی مردم را در فعالیت های اقتصادی شرکت دهد و در مرتبه بعد، تسهیلات سرمایه ای و تأمین مالی سرمایه گذاری ها را تأمین کند تا مقدمات کار فراهم گردد. (صدر، ۱۳۶۰: ۲۹۰) همچنین همه افراد در سن کار، باید از شغل مناسب برخوردار باشند، چرا که بیکاری علاوه بر جنبه اقتصادی که سبب گسترش فقر شده و از طریق تاثیر بر دستمزدها، بر فقر تعدادی از شاغلان می افزاید (ساعی، ۱۳۷۷: ۸۸) مشکلات بسیاری به همراه خواهد داشت. دولت باید از بوجود آمدن افراد بیکار نیز جلوگیری نماید. «بیکاره کسی است که اصولاً برای هیچ کاری آمادگی پیدا نکرده است و کاری به او یاد نداده اند و اگر هم بخواهد کار کند از عهده برنمی آید.» (بهشتی، ۱۳۶۲: ۱۴۰) تأمین شرایط اشتغال در جامعه از سوی دولت، باید با در نظر گرفتن برابری همه باشد. یعنی شرایط و امکانات کار کردن برای همه اقشار فراهم شود تا به تناسب استعداد، علاقه، توان و شایستگی های خویش به آن شغل مشغول شوند. امام خمینی (ره) در بخش تولید معتقدند که هم باید اشتغال ایجاد گردد و هم باید به توسعه روستاها پردازیم تا از این طریق تولید افزایش یافته و فقر ریشه کن و برابری اقتصادی ایجاد شود. تأکید بر استقلال و عدم وابستگی به دیگران در اندیشه امام خمینی جایگاهی مهم داشت و ایشان معتقد بودند استقلال اقتصادی است که موجبات امنیت اقتصادی کشور را فراهم می آورد. (حسن خانی، محمدی سیرت، ۱۳۹۵: ۱۰۵)

۱-۱. ایجاد اشتغال بر مبنای تولید در دولت های مذکور

در اندیشه امام خمینی (ره)، ایجاد شغل مناسب باید توسط دولت ها صورت گیرد: «دولت باید برای همه کار فراهم کند و شرایط انجام کار را نیز تأمین کند. حتی برای انجام این کار توصیه به قرض الحسنه می کند، زیرا سبب می شود فرد برای پرداخت طلبش کار کند، هم قرضش را بدهد و هم از مازادی که برایش باقی می ماند، استفاده نماید» (امام خمینی: ۱۲/ ۴۲۳).

در جای دیگر می‌فرمایند: «کار هسته مرکزی و محرک تولید است، تا کاری صورت نگیرد به هیچ هدفی در اقتصاد نمی‌توان رسید، هر فرد باید ایمان داشته باشد که در هر جایگاه و با هر شغلی که دارد، می‌تواند در پیشبرد امور مؤثر واقع شود» (امام خمینی: ۸/ ۲۱۰).

در دولت‌های آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد، اقداماتی در راستای تصویب قوانین مربوط به ایجاد اشتغال انجام شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در قانون توسعه اول که در ابتدای دولت آقای هاشمی در سال ۱۳۶۸ تصویب شد، به اشتغال‌زایی اشاره شده بود و باید دولت اقداماتی را در این راستا انجام می‌داد:

۶. نیروی انسانی و اشتغال؛

۱-۶. هدف‌های کیفی؛

۱-۱-۶. تبدیل تدریجی مشاغل کم‌بازده به مشاغل مولد؛

۲-۱-۶. کاهش بیکاری‌های فصلی و بیکاری‌های پنهان؛

۳-۱-۶. ایجاد اشتغال مولد و کاهش تورم بی‌رویه کار در بخش‌های خدماتی از طریق اتخاذ سیاست‌های مناسب مالی، پولی، مالیاتی و تشریک‌مسابی با بخش خصوصی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های تولیدی اشتغال‌زا در این بخش؛

۴-۱-۶. افزایش بهره‌وری کار از طریق بهبود شیوه‌های مدیریت و به کارگیری افراد در پست‌های اجرایی مرتبط» (مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۶۸/۱۱/۱۱).

در قانون دوم توسعه نیز به اشتغال‌زایی اشاره شده بود:

۶. اشتغال و نیروی انسانی؛

۱-۶. تقویت شبکه جمع‌آوری و پردازش اطلاعات بازار کار و انجام پژوهش‌های مربوط به حرکات بازار، طبقه‌بندی و استاندارد مهارت و ایجاد ارتباط بین آموزش و نیازهای کمی و کیفی بازار کار؛

۲-۶. حمایت از ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق توجیه و آموزش در زمینه‌های مناسب شغلی؛

۳-۶. توسعه و حمایت از صنایع کوچک، صنایع تبدیلی، صنایع و مشاغل خانگی، خدمات فنی و توسعه و احیای صنایع دستی با اولویت مناطق روستایی؛

۶-۴. تأمین مشاغل مولد برای نیروی کار مازاد عشایر در مناطق روستایی و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت استقرار فعالیت‌های غیر کشاورزی در محیط روستایی به منظور افزایش درآمد سرانه روستاییان و ایجاد فرصت‌های شغلی برای آنها؛

۶-۵. کاهش نیروهای کار خارجی و همچنین فراهم آوردن زمینه‌های اعزام نیروی کار به خارج از کشور» (مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۷۳/۹/۲۰).

در دولت آقای خاتمی نیز در قانون برنامه سوم توسعه، سیاست‌های اشتغال‌زایی مطرح شد: «در فصل ششم ماده ۵۴ به دولت اجازه داده می‌شود که در قالب لوایح بودجه سنواتی و از طریق وجوه اداره شده، تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا و صنایع کوچک و نیز قسمتی از سود و کارمزد تسهیلات مذکور را در قالب این قانون تأمین کند. همچنین، بخشی از تسهیلات اعتباری سیستم بانکی باید برای حمایت از صنایع کوچک و اشتغال‌زا اختصاص یابد» (مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۷۹/۱/۱۷).

همچنین در دولت آقای احمدی‌نژاد، در قانون برنامه پنجم توسعه که در سال ۱۳۸۹ تصویب شد، در فصل پنجم ماده ۶۹ در مورد ایجاد اشتغال آمده بود: «به منظور بهبود فضای کسب و کار در کشور وزارت بازرگانی مکلف است با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، اتاق تعاون، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط با هماهنگی معاونت و در چارچوب بودجه‌های سنواتی، ضوابط و سیاست‌های تشویقی لازم از جمله اهدای جوایز یا اعطای تسهیلات یا کمک‌های مالی، برای استفاده کالاها و خدمات از نام و نشان تجاری در بازار خرده‌فروشی و عمده‌فروشی با حفظ حقوق معنوی صاحب نشان را تا پایان سال اول برنامه تهیه و برای اجرا ابلاغ نماید» (مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵).

علاوه بر قوانینی که در دولت‌های مذکور مبنی بر ایجاد اشتغال در دستور کار قرار گرفت، اقداماتی هم در همین راستا توسط هر دولت انجام شد. یکی از این اقدامات افزایش یا کاهش

نرخ مشارکت اقتصادی در بازه زمانی هر دولت است که نشان می‌دهد چند درصد از جمعیت در سن کار، شاغل یا بیکار هستند. طبق آمارهای داده شده توسط مرکز آمار، بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی مربوط به نخستین سال فعالیت دولت دهم یعنی سال ۱۳۸۴ بوده است. در این سال نرخ مشارکت اقتصادی برابر با ۳۹/۴۳ درصد بوده است. پایین‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی مربوط به سال ۹۰ با ۳۶/۹ درصد بوده است. در جدول زیر نرخ مشارکت اقتصادی در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ بررسی شده است:

جدول ۱. بررسی نرخ مشارکت اقتصادی در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰

عنوان	سال	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵
نرخ مشارکت		۳۹/۰۰	۳۸/۱۲	۳۵/۳۰	۳۹/۴۳	۳۶/۹

مأخذ: مرکز آمار، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵- نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰

علاوه بر نرخ مشارکت اقتصادی می‌توان فعالیت‌های انجام گرفته در بخش‌های مختلف اقتصادی را مورد بررسی قرار داد. درمورد فعالیت‌های ایجاد شده در بخش‌های مختلف اقتصادی در یک دوره ۱۰ ساله طبق جدول زیر از مرکز آمار ایران اخذ شده است:

جدول ۲. فعالیت‌های ایجادشده در بخش‌های مختلف اقتصادی (دوره ۱۰ ساله)

	۱۳۷۵	درصد	۱۳۸۵	درصد
کشاورزی	۳۳۱۹	۸/۲۲	۳۶۱۲	۰/۲۳
صنعت	۲۵۵۲	۵/۱۷	۳۴۸۵	۸/۱۸
سایر فعالیت‌ها و خدمات عمومی	۲۲۴	۵/۱	۴۳۳	۱/۲

مأخذ: درگاه ملی آمار، فهرست نشریات، ایران در آینه آمار، ۱۳۸۵

نرخ بیکاری در هر دولت نیز می‌تواند نشان دهنده میزان بیکاری باشد. نرخ بیکاری عبارت است از نسبت تعداد جمعیت بیکار (۱۰ ساله و بیشتر) (جویای کار) به کل جمعیت فعال (۱۰ ساله و بیشتر) (شاغل و بیکار) ضرب در صد. (بانک مرکزی) نرخ بیکاری کشور نیز در سه دولت تقریباً مشابه بوده و هیچ دولتی نتوانست به نرخ بیکاری تک‌رقمی دست یابد. طبق آمار

بانک مرکزی، نرخ بیکاری در سال آخر دولت آقای هاشمی ۱۳/۱ درصد، در آخر دولت آقای خاتمی ۱۱/۵ درصد و در سال آخر دولت آقای احمدی نژاد ۱۰/۴ درصد در مناطق شهری و روستایی بوده است. این موضوع در جدول زیر بررسی گردیده است.

جدول ۳- نرخ بیکاری در سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲

سال	۱۳۷۶	۱۳۸۴	۱۳۹۲
نرخ بیکاری (درصد)	۱۳/۱	۱۱/۵	۱۰/۴
مناطق شهری (درصد)	۱۲/۷	۱۳/۸	۱۱/۸
مناطق روستایی (درصد)	۱۳/۶	۷/۱	۷/۰

مأخذ: بانک مرکزی- آمار و داده‌ها- بانک اطلاعات سریهای زمانی اقتصادی- نیروی انسانی جمعیت و اشتغال،
مأخذ: مرکز آمار ایران



فصلنامه علمی- پژوهشی
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

۲-۱. توسعه روستایی

در مورد توسعه روستاها در بخش تولید، فرمان تاریخی امام خمینی در ۲۶ خرداد ۱۳۵۸ مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی جهت رفع محرومیت‌ها و تلاش برای آبادانی کشور نشان از اهمیت موضوع سازندگی و حرکتی جهادی به منظور فراهم ساختن نهضتی همه‌جانبه برای مبارزه با فقر، اقدام به محرومیت‌زدایی، توسعه و عمران روستاها و حرکت در جهت استقلال و خودکفایی اقتصادی به خصوص استقلال کشاورزی دارد. ایشان می‌فرمایند: «ما باید بگوئیم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به جهاد سازندگی، که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسين و متخصصين، شهری و دهاتی، همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این را که خراب شده است، بسازند» (امام خمینی: ۸/ ۱۸۰). همچنین امام خمینی (ره) در پیام رادیو تلویزیونی به مناسبت ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ خطاب به کشاورزان و کارگران می‌فرماید: «شما برادران ما هستید، شما عزیزان ما هستید، شما باید این مملکت را اداره بکنید، شما هستید که می‌توانید این بار را به منزل برسانید، شما هستید که در کارخانه‌ها می‌توانید چرخ کارخانه‌ها را به جنبش درآورید و به راه بیندازید و مملکت را نجات بدهید. شما دهقانان هستید که می‌توانید چرخ کشاورزی را به راه بیندازید و فعالیت شماست که کشاورزی را به طور صحیح می‌تواند عملی کند. شما می‌دانید که کشاورزی ما را به زمین

زده‌اند، از بین بردند، حالا بر شماست که بعد از اینکه مملکت مال خود شما شده است و دست اجانب کوتاه شده است، به کشاورزی خودتان ادامه بدهید و مهلت بدهید که دولت به شما کمک بکند و می‌کند کمک، آن قدری که می‌تواند کمک می‌کند» (امام خمینی: ۷/ ۱۷۵). در قانون برنامه اول توسعه به موضوع توسعه روستاها پرداخته شد. در بند الف این قانون می‌خوانیم:

«خط مشی‌ها ۲۴-۴. افزایش نسبی درآمد سرانه روستاییان از طریق ایجاد تنوع در فرصت‌های اشتغال و تأمین درآمد از بخش‌های غیر کشاورزی در محیط روستایی. ۲۵-۴. سازماندهی جامعه روستایی از طریق تعاونی‌های تولیدی کشاورزی و دامداری و صنایع روستایی و سایر تشکلهای قانونی (مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۶۸/۱۱/۱۱).

همچنین در تبصره ۱۱ قانون توسعه دوم که در سال ۱۳۷۳ تصویب شد، می‌خوانیم: «به منظور توسعه روستاهای محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در روستاها در طول برنامه اقداماتی به شرح زیر معمول می‌گردد:

الف) مبلغ سه هزار میلیارد (۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال برای امور زیر در روستاهای محروم هزینه می‌شود:

۱. انجام طرح‌های عمرانی در زمینه راه‌سازی مناسب روستایی و برق‌رسانی، بهداشت و آبرسانی، فضاهای آموزشی، پستی و مخابراتی و کمک به آماده‌سازی زمین برای طرح‌های اشتغال‌زا در روستاهای محروم با اولویت اتمام طرح‌های نیمه تمام برنامه اول.

۲. توسعه فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌زا و خوداشتغالی در روستاهای محروم از طریق پرداخت مابه‌التفاوت کارمزد و سود مورد انتظار بانک در امور آب، کشاورزی، صنعت، مسکن و امور اجتماعی و پیش‌بینی آنها در بودجه سنواتی.

۳. رعایت اولویت در انتخاب و اجرای طرح‌های امور اجتماعی، زیربنایی و اشتغال‌زا برای روستاهای محروم (مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۷۳/۹/۲۰).

در دولت آقای خاتمی هم قانون برنامه توسعه به توسعه روستاها اشاره داشت. در قانون



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسة العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۷۰

سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

برنامه توسعه سوم فصل ۱۸ عمران شهری و توسعه و عمران روستایی ماده ۱۳۷ آمده:

الف) به منظور تسریع در امر توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به بهبود معیشت روستاییان، دولت مکلف است نسبت به انجام موارد زیر طی دوران برنامه اقدام کند:

۱. تعیین نقش و قلمرو وظایف و ارتباطات دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با توسعه و عمران روستاها در جهت سازماندهی مجدد و حذف فعالیت‌های مشابه و موازی.
۲. واگذاری بخشی از فعالیت‌های اجرایی دستگاه‌های دولتی به شوراهای اسلامی و دستگاه‌های محلی و مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی.
۳. تعیین ضوابط برای خدمات زیربنایی در محیط روستایی و سطح‌بندی و ارائه خدمات و تجهیز فضاهای روستایی کشور براساس طرح‌های توسعه و عمران مصوب.
۴. حمایت از مؤسسات غیر دولتی تأمین کننده اعتبارات خرد از قبیل صندوق عمران و توسعه روستایی به منظور ارائه تسهیلات به روستاییان برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۵. ساماندهی فضاها و سکونت‌گاه‌های روستایی به منظور توسعه هماهنگ و موزون فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی، از طریق توزیع مناسب جمعیت و استقرار بهینه خدمات در محیط‌های روستایی و حمایت از اجرای آن.
۶. حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و مردمی در محیط روستایی با تأمین تسهیلات مناسب به ویژه برای سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا و پرداخت بخشی از سود تسهیلات اعطایی برای مناطق توسعه نیافته» (مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۷۹/۱/۱۷).

براساس بند «الف» برنامه پنجم توسعه ماده (۱۹۴) در دولت آقای احمدی نژاد نیز دولت مکلف شده بود به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، اقداماتی را به عمل آورد (مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵).

همچنین، قانون «تأسیس سازمان توسعه و عمران روستایی» در دولت نهم به مجلس ارائه

شد که در کمیسیون مربوطه به قانون «الزام دولت به توسعه متوازن روستایی» تغییر نام یافت. این قانون مشتمل بر یک ماده واحده به شرح زیر در آذرماه ۱۳۸۴ به تصویب رسید: «در اجرای ماده (۱۹) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱، دولت مکلف است تمهید قانونی لازم جهت تعیین متولی سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر توسعه متوازن روستایی را ظرف مدت سه ماه مشخص نماید، به صورتی که:

۱. سهم سرانه روستائینان از بودجه‌های توسعه‌ای کشور مشخص گردد.

۲. در شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها و مناطق زیرمجموعه، نهاد برنامه‌ریزی منطقه‌ای و نظارتی لازم را در این زمینه به وجود آورد (مرکز پژوهش‌های مجلس، قانون الزام دولت به توسعه متوازن روستایی، مصوبات مجلس شورا: ۱۳۸۴/۹/۱۵).

علاوه بر تصویب قوانین مربوط به توسعه روستاها، فعالیت‌هایی نیز در دولت‌های آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد صورت گرفت، اما از آنجایی که این امر، یعنی توسعه روستاها از سال ۱۳۷۳ در دستور کار قرار گرفت، به اقدامات انجام‌شده از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۲ که به منظور ایجاد اشتغال در روستاها انجام شده در جدول زیر اشاره می‌گردد:

جدول ۴. درصد اشتغال ایجاد شده در روستاها به تفکیک سال

فعالیت	سال	۷۶	۸۴	۹۲
کشاورزی	۵۰/۴	۷۵/۵	۵۰/۱	
صنعت	۲۸/۱	۲۴/۲	۲۸/۱	
خدمات	۲۱/۵	۱۸/۳	۲۱/۸	

مأخذ: مرکز آمار، بانک مرکزی

۲. توزیع شاخص دیگر عدالت اقتصادی

در بخش توزیع، امام هم به مسئله برابری و هم به رعایت حقوق افراد توجه می‌کند و معتقدند که «توزیع عادلانه زندگی همه مردم کشور را بهبود می‌بخشد» (امام خمینی: ۸/ ۲۱۰). در زمینه توزیع تسهیلات رفاهی و بهداشت عمومی، امام تصریح می‌کند که «حق ندارد حاکم

و ولی امر در وقت، یک ناحیه را بیشتر به آن توجه کند تا ناحیه دیگر، حق ندارد یک طرف از کشور را زیاده‌تر از طرف دیگر کشور آباد کند. حق ندارد حتی یک جایی را کمتر از جای دیگر فرض کند که خیابان کشی کند یا آسفالت کند» (امام خمینی: ۱۱/ ۲۹۲).

الف) آموزش

از بین خدمات مطرح در اندیشه امام خمینی (ره) می‌توان به آموزش برای همگان اشاره کرد. از نظر امام خمینی (ره): «مسئله فرهنگ و آموزش و پرورش در رأس مسائل کشور است» (امام خمینی: ۱۵/ ۳۰۹). به همین علت است که ایشان جایگاه مدارس را برتر از دانشگاه برمی‌شمارد و توصیه می‌کند که «باید توجه کنید که دوره مدارس مهم‌تر از دانشگاه است، چرا که رشد عقلی بچه‌ها در این دوره شکل می‌گیرد» (امام خمینی: ۱۹/ ۱۸۹). توجه ویژه ایشان به جوانان و نقش مهم آنان است که ایشان را، به توصیه وای دارد که «من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید» (امام خمینی: ۲۱/ ۹۶).

در واقع، از فعالیت‌های مهمی که امام بر اجرایی شدن تأکید بسیاری داشتند، برقراری عدالت آموزشی بود که می‌توان در صحیفه نور توصیه‌ها، تأکیدات و متون حضرت امام را در این رابطه مطالعه کرد:

«اکنون خوشوقتم که شرایط به سود ملت ستم‌دیده ما دگرگون شده است و همین مسئولیت و تعهدی که در ماه‌های گذشته ایجاب می‌کرد تا دست به اعتصابات و تظاهرات بزنید امروز ایجاب می‌کند تا کار تحصیلی خود را با کمال جدیت و در محیطی آرام از سر بگیرید. دیروز عوامل بیگانه در پی شکستن اعتصابات بودند و امروز که می‌بیند که جریان کشور در جهت حکومت عدل اسلامی در حرکت است، با شعارهایی ظاهراً انقلابی، رو در روی نهضت اصیل اسلامی - انقلابی قرار گرفته‌اند» (امام خمینی: ۶/ ۱۹۴). ایشان درباره اهمیت آموزش و پرورش می‌گوید: «مسامحه و سهل‌انگاری در تعلیم و تربیت خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می‌باشد و باید از آن احتراز کرد» (امام خمینی: ۱۷/ ۴).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۷۲

سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

آنچه مسلم است دولت‌های پس از انقلاب هر کدام برای ایجاد عدالت آموزشی مورد نظر امام تلاش‌هایی را انجام داده‌اند که به شرح زیر قابل بررسی است:

در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۲/۸ میلیون نفر از جمعیت کشور باسواد بودند. این رقم در سال ۱۳۷۵ به ۴۳ میلیون نفر رسید (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۴: ۲۷۴). در سال ۱۳۷۵ نسبت باسوادی در مناطق شهری ۸۶ درصد بود که اگر جمعیت پیر و از کارافتاده بی-سواد از این آمار خارج شوند، بیش از ۹۰ درصد جمعیت فعال کشور را در آن سال باسواد خواهیم یافت (سازمان برنامه و بودجه، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران). در بخش آموزش اطلاعات جدول زیر از مرکز آمار ایران اقتباس گردیده است و در دولت‌های ذکر شده تعداد باسوادان را نشان می‌دهد.

جدول ۵. تعداد باسوادان به تفکیک سال‌های سپری شده در دولت‌های مذکور

۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۴	۱۳۹۲	
۲۳۹۱۳	۴۱۵۸۲	۵۴۰۸۲	۵۷۳۶۲	تعداد باسوادان

مأخذ: درگاه ملی آمار، فهرست نشریات، ایران در آینه آمار

ب) مسکن بر مبنای توزیع

کارنامه سه رئیس‌جمهور در بخش مسکن با دو شاخص «رشد قیمت» و «حجم عرضه» قابل سنجش است. به طوری که اندازه‌های این دو شاخص و مقایسه آنها با یکدیگر در این ۶ دولت می‌تواند کفایت برنامه‌ها را بازگو کند. این مقایسه برای شاخص اول، یعنی رشد قیمت نشان می‌دهد که در هر یک از دولت‌های پنجم تا دهم، قیمت مسکن در برخی سال‌ها ثابت یا رشد منفی داشته و در برخی سال‌ها رشد صعودی پیدا کرده است. با این تفاوت که در طول دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد، قیمت به طرز بی‌سابقه‌ای در دولت اول وی تا ۷۸ درصد جهش یافته و دو سال بعد یعنی در دولت دوم تا منفی ۱۴ درصد پایین می‌آید که این دو نرخ رشد مثبت و منفی در سایر دولت‌ها اتفاق نیفتاده است. مقایسه صورت گرفته برای شاخص دوم - حجم عرضه - نیز حکایت از آن دارد که در دولت دوم آقای احمدی‌نژاد رکورد عرضه مسکن زده شده و در این ۴ سال با احتساب مسکن مهر، حدود ۱۶ سال دولت‌های سازندگی و اصلاحات، ساخت‌وساز مسکونی و آپارتمان جدید به بازار





انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۷۴

سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

تزیق شده است. در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ طبق اعلام مرکز آمار دو میلیون و ۶۲۲ هزار واحد مسکونی جدید در شهرهای کشور احداث شده که با احتساب آمار وزارت راه و شهرسازی مبنی بر ساخت حداقل ۷۰۰ هزار مسکن مهر در شهرهای جدید اطراف کلان‌شهرها حجم عرضه مسکن جدید در دولت دهم به بالای ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار واحد رسیده است. این در حالی است که در مجموع دولت‌های سازندگی و اصلاحات معادل ۳ میلیون و ۲۹۹ هزار واحد مسکونی جدید در کشور ساخته شد. مرکز آمار ایران در آستانه تکمیل دوره ۸ ساله ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، با انتشار گزارش کاملی از «نرخ افت و خیز قیمت مسکن در ۷۹ فصل منتهی به پاییز ۹۱» و همچنین، «میزان ساخت و سازهای مسکونی در فاصله سال‌های ۶۹ تا ۹۱» کارنامه تقریباً کاملی را از عملکرد دولت‌های سازندگی، اصلاحات و اصول‌گرا در حوزه بازار ملک ارائه کرده است. این گزارش نشان داده است که در طول دوره هر یک از سه رئیس‌جمهور اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد در یک دولت ارزش واقعی ملک مسکونی رو به پیشرفت یا پسرفت گذاشته و بلافاصله در دولت بعدی همان رئیس‌جمهور عکس یکی از این دو حالت را تجربه کرده است. در دو دولت سازندگی میانگین قیمت هر متر مربع واحد مسکونی در تهران از حدود ۴۰ هزار تومان در سال ۶۸ به ۱۶۰ هزار تومان در سال ۷۵ افزایش پیدا کرد و به این ترتیب، رشد ۴ برابری را تجربه کرد. در دو دولت اصلاحات که از سال ۱۳۷۶ شروع و تا سال ۱۳۸۳ ادامه می‌یابد، قیمت واقعی املاک مسکونی در دولت اول رشد منفی دارد. در ۸ سال دولت محمد خاتمی، میانگین قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در تهران از ۱۵۵ هزار تومان به ۵۸۳ هزار تومان رسیده و رشد ۳/۷ برابری پیدا می‌کند. بازار مسکن در دو دولت محمود احمدی‌نژاد با شرایط متفاوتی روبه‌رو می‌شود. در سال سوم دولت اول احمدی‌نژاد (سال ۱۳۸۶)، قیمت مسکن در تهران ۷۸ درصد جهش یافت. در این سال دولت قانون مسکن مهر را در مجلس به تصویب رسانده و از آن سال ساخت و ساز روی زمین‌های ۹۹ ساله آغاز شد. طوری که در سال ۱۳۸۸، یعنی نقطه اوج صدور پروانه برای واحدهای مسکونی مهر و عقد قرارداد با پیمانکاران و جلب توجه این طرح در کشور، نرخ رشد قیمت مسکن به عدد منفی ۱۴ درصد رسید و بیشترین نرخ رشد منفی در طول سال‌های ثبت‌شده در تاریخ بازار مسکن را تجربه کرد. در ۸ سال فعالیت دولت احمدی‌نژاد میانگین قیمت مسکن در تهران از مترمربعی ۶۴۸

هزار تومان به ۲ میلیون و ۷۶۱ هزار تومان افزایش پیدا کرد و تقریباً به اندازه دولت سازندگی -۴/۲ برابر- رشد کرد.

ج) بهداشت بر مبنای توزیع

شناخت روند تغییر و تحول شاخص‌های بخش بهداشت و سلامت به این دلیل دارای اهمیت است که بهبود این شاخص‌ها بر فرآیند ایجاد عدالت اقتصادی دارای تأثیری فراگیر و عمیق می‌باشد. مقایسه این شاخص‌ها در سه دولت هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد علاوه نمایاندن جایگاه بهداشت و سلامت در عدالت اقتصادی و شناخت وضعیت آن در نظام جمهوری اسلامی، می‌تواند اهتمام و تلاش‌ها را به سمت و سویی بکشانند که حاصل دستاوردهای ارزنده‌تری در زمینه بهداشت و سلامت باشد.

از جمله مواردی که در دولت آقای هاشمی درخصوص بهداشت انجام شد، رسیدگی به وضعیت آب سالم بود. تأمین و دسترسی به آب سالم و بهداشتی برای همگان به عنوان نشانه اصلی دیگری در گفتمان سازندگی در این حوزه مورد توجه دولت بود. علاوه بر این، تأمین و دسترسی به آب سالم و بهداشتی برای همگان به عنوان دیگر نشانه اصلی در گفتمان سازندگی مد نظر قرار گرفت. چون اصول دسترسی به آب سالم و بهداشتی یکی از عوامل مهم تندرستی و در نتیجه کاهش-دهنده هزینه‌های سنگین درمانی است (پازوکی، ۱۳۷۴: ۸۸-۸۳). دولت آقای خاتمی نیز تدابیری به منظور پیشگیری و جلوگیری از آلودگی محیط زیست اتخاذ کرد. دولت ششم ارتقای سطح سلامت مناطق محروم و روستایی و نیز آبرسانی به این مناطق را در دستور کار قرار داد (صفری شالی، ۱۳۹۵: ۱۰۱). در دولت آقای خاتمی شاهد تدوین برنامه آموزشی ارتقای سلامت در کشور به منظور گسترش سلامت همگانی، پیشگیری از بیماری‌ها و تلاش به منظور پیشگیری و درمان بیماری‌های واگیردار و حاد از جمله ایدز در کشور هستیم (صفری شالی، ۱۳۹۵: ۱۰۲). در واقع، برنامه چهارم توسعه با جهت‌گیری‌های اصلی کاهش مخاطرات سلامت و ارتقای امنیت غذایی حضور فعال در بازارهای جهانی، عدالت در دسترسی و تأمین منابع مالی، توانمندسازی مردم در راستای ارتقای سلامت تدوین شد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۹: ۸۴). آقای احمدی نژاد نیز اقداماتی در راستای تأمین بهداشت و سلامت انجام داد. اهتمام دولت احمدی نژاد در برنامه پنجم توسعه به توسعه و تعمیق نظام



بیمه سلامت به عنوان یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی و بهبود امنیت اجتماعی قلمداد می‌شود (عمادی، ۱۳۹۱: ۵۹). در ادامه شاخص‌های مربوط به بهداشت که توسط دولت‌های مذکور تقویت گردیده در جدول ۵ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

جدول ۶. شاخص‌های بهداشت و درمان در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۵

۱۳۸۹	۱۳۸۴	۱۳۷۶	۱۳۶۸	
۱۰۵۱۳۰	۹۰۵۳۸	۵۵۳۷۲	۱۹۲۰۰	پزشکان
۲۳۴۹۰	۱۸۰۸۸	۱۰۶۱۵	۴۲۰۰	دندانپزشک
۱۵۳۴۰	۱۲۵۸۴	۸۲۵۷	-	داروساز
۷۳۵۸	۶۶۷۹	-	-	داروخانه‌ها
۷۵۰	۷۷۳	-	-	مؤسسات درمانی فعال
-	-	۹۶۱۴۸	۸۲۰۵	تخت بیمارستان

منبع: بانک مرکزی- آمار و داده‌ها- بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی- امور اجتماعی- بهداشت و سلامت
 مأخذ: درگاه ملی آمار، فهرست نشریات، ایران در آیین آمار



فصلنامه علمی- پژوهشی
 پژوهش‌های بای جهان اسلام

بحث و نتیجه گیری

از آنجایی که عدالت اقتصادی نقش اساسی در دستیابی به آرمان عدالت در نظام جمهوری اسلامی دارد و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی تأکید فراوانی بر این موضوع داشته‌اند که برای برقراری عدالت باید امکانات اقتصادی برای افراد فراهم گردد، بنابراین توجه به شاخص‌های عدالت اقتصادی و اندازه‌گیری آن الزامی است. همچنین، چون هریک از دولت‌های پس از انقلاب ادعاهایی مبنی بر ایجاد عدالت اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی داشته‌اند و به جهت نقدها یا تعاریف فراوان از عملکرد دولت‌ها نمی‌توان به نتیجه قطعی درخصوص تحقق عدالت اقتصادی در دولت‌های آنها دست یافت، لذا شاخص‌های عدالت اقتصادی استخراج و در هر دولت بررسی شد. نتیجه بررسی و مقایسه شاخص‌های عدالت اقتصادی براساس برنامه توسعه‌ای سه دولت و میزان عملیاتی شدن آنها نشان داد که در بازه زمانی هر دولت دستاوردهای ارزشمندی در زمینه ایجاد اشتغال، توسعه روستاها، آموزش، بهداشت و مسکن انجام شده است، هرچند در برخی دوره‌ها نوساناتی به همراه داشت. در واقع، از آنجایی که آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد خود را مدیون اندیشه امام می‌دانستند، بنابراین در دولت‌های خود به تحقق عدالت اقتصادی توجه کردند. این موضوع در قوانین توسعه در دولت‌های مذکور مشهود است. همچنین، این دولت‌ها اقداماتی را در راستای تحقق عدالت اقتصادی هم در بخش تولید و هم در بخش توزیع انجام دادند. هر کدام از این سه دولت برای رساندن جامعه به قله عدالت اقتصادی مورد نظر امام (ره) تلاش زیادی نمودند، لکن برای رسیدن به این قله باید موانع و چالش‌های زیادی را از پیش روی خود برمی‌داشتند. این چالش‌ها که عبارت‌اند از: بوروکراسی اداری، فساد اقتصادی، فساد سیستمی، رانت‌خواری و اختلاس، همچنان پیش روی نظام و دولت‌های آینده خواهد داشت و به نظر می‌رسد تنها راهکار غلبه بر این چالش‌ها تقویت و بسط بخش خصوصی می‌باشد.



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

منابع

- آقائیزی، حسن (۱۳۸۴) *عدالت اقتصادی از نظر افلاطون ارسطو و اسلام*، مجله اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۴.
- بهشتی، محمد (۱۳۶۲) *اقتصاد اسلامی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پازوکی، مهدی (۱۳۷۴) «بهداشت و توسعه با نگاهی بر عملکرد برنامه پنج ساله اول جمهوری اسلامی ایران درخصوص راهبرد اولویت بهداشت بر درمان». *مجله برنامه و بودجه*. شماره ۱۹ و ۲۰.
- توتونچیان، ایرج، عبوضلو، حسین (۱۳۷۹) *کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد*، مقاله ۵، دوره ۳۵، شماره ۲.
- حسن خانی، محمد، محمدی سیرت، حسین (۱۳۹۵) «تأثیرایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، سال ششم، شماره چهارم. حقیقت، سید صادق (۱۳۷۶) *اصول عدالت سیاسی*، مجله نقد و نظر، شماره ۱۰ و ۱۱.
- خاندوزی، سید احسان (۱۳۹۰). «بازخوانی و نقد نظریه‌های عدالت اقتصادی در قرن بیستم». *فصلنامه مجلس و راهبرد*. سال ۱۸. شماره ۶۸.
- درخشه، جلال؛ فخاری، مرتضی (بهار ۱۳۹۵). «گستره مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی». *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. سال ششم. شماره ۱۸.
- رجایی، سید محمد کاظم، معلمی، سید مهدی، (بهار و تابستان ۱۳۹۰) *درآمدی بر مفهوم «عدالت اقتصادی» و شاخصهای آن*، معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره دوم، پیاپی چهارم.
- ساعی، احمد (۱۳۷۷)، *مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم*، تهران: سمت.
- صدر، محمدباقر (۱۳۶۰)، *اقتصاد ما*، ج ۲، مترجم: ع اسبهدی، تهران: انتشارات اسلامی.
- صفری شالی، رضا (۱۳۹۵). «گفتمان عدالت دولت‌های پس از انقلاب در حوزه سلامت». *فصلنامه مطالعات راهبردی*. سال ۱۹. شماره ۱۴.
- عمادی، سید عبدالله (۱۳۹۱). *نظام بیمه سلامت و امنیت اجتماعی*. تهران: روزنامه همشهری.
- فوزی توپسرکانی، یحیی (۱۳۸۴). *تحولات سیاسی اجتماعی ایران در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۷۶*. جلد ۲. تهران: نشر عروج.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کریمی، مظفر (۱۳۸۸) *راهبردهای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- کیخا، نجمه (۱۳۸۱). «ساز و کارهای تحقق عدالت اقتصادی از منظر امام خمینی». *مجله حضور*. شماره ۴۳.
- موسوی خمینی، سیدروح ... (۱۳۸۵). *صحیفه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بانی جهان اسلام

۷۸

سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

نهج البلاغه امام علی (ع) (۱۳۸۰)، گردآوری سید شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشرقین.
یوسفی، احمد علی (۱۳۸۴) عدالت اقتصادی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، دوره ۵.

سایت مرکز آمار ایران: www.sci.org.ir

مرکز پژوهش‌های مجلس: rc.majlis.ir/fa/repor

بانک مرکزی جمهوری اسلامی: www.cbi.ir

Graham, contemporary social philosophy, oxford Black well, 1989.

- Molm, "Imbalanced structures, unfair strategies: Power and Justice in social exchanges, A.S.R, vol 59, Feb 1994.

- Robertson, A Dictionary of modern politics, knowkab publishers, 1993.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۲۰۳

بخشایشی اردستانی، احمد؛ رضایی جوزانی، نیکو (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی میزان تحقق اندیشه امام خمینی (ره) با رویکرد عدالت اقتصادی در دولت‌های پس از انقلاب (۱۳۹۲-۱۳۶۸)» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۷، ش ۲، تابستان ۹۶، صص ۷۹-۵۵.

